

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان از: ا. م. شیری

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۲

## «دمکراسی» با سرنیزه تحمیل نمی شود

دولت امریکا در پی کشته شدن سفیر کشورش در شهر بنغازی برای عملیات ضد تروریستی در لیبیا آماده می شود. علاوه بر سفیر، سه کارمند سفارت نیز کشته شدند. افسوس، که انسانها کشته شدند. اما باز هم افسوس که دولت امریکا معلوم نیست به چه دلیل ترجیح می دهد از رابطه علت و معلولی این واقعه غم انگیز چشم پوشی کرده، فقط به اعلام این خبر بسنده نماید.

با این وجود واضح است، که نمایش فلم «بیگناهی اسلام»، که احساسات دینی مسلمانان را جریحه دار کرده، علت حمله به سفارت امریکا هم در لیبیا و هم در مصر بود. این فلم به سالگرد وقایع تروریستی ۱۱ سپتمبر نیویورک اختصاص یافته بود. در مورد سازمندان این ترور، و همچنین اهداف و پیامدهای آن (مثلاً، حمله امریکا و انگلیس به عراق در سال ۲۰۰۳ و «پخش زنده» مراسم اعدام صدام حسین، رئیس جمهور کشور مستقل عراق) آنقدر زیاد گفته و نوشته شده، که از این پس بحث بر سر این که چه کسی در پشت این ترورها ایستاده بود، فقط از این لحاظ اهمیت دارد که مثلاً تو در کره دیگری زندگی می کنی و هیچ گاه نه تنها در این باره که ایالات متحده امریکا یک ابرقدرت است، و یا در مورد این که سیستم دفاع مشترک هوا-فضای امریکا و کانادا «نوراد» (NORAD) به منظور دفاع از حریم هوایی و نزدیک به زمین امریکای شمالی در مقابل هر گونه حمله هوایی برقرار شده، هیچ نخوانده ای یا نشنیده ای.

اما اعدام (دقیق تر بگوئیم، قتل وحشیانه) رهبر یک کشور مستقل دیگر، لیبیا در سال ۲۰۱۱ و سپس، نمایش جنازه مثله شده وی در همه کانالهای تلویزیون جهانی، ادامه رابطه همان علت و معلول است که به قتل کارکنان سفارت امریکا هم منجر شد. ولی این رابطه علت و معلولی از توسعه باز نمی ماند.

در یک ضرب المثل عربی گفته می شود: «اوه، غریبه، مؤدب باش». با اندک تعمق در ماهیت این کلام، می توان فهمید که در اینجا سخن نه فقط و نه آنقدر بر سر ظاهر ادب غریبه در کشور خارجی و رعایت موازین اخلاق اجتماعی و سنن این مردم، بلکه، بر سر عدم تجاوز به حوزه معنوی این خلق می باشد. مفهوم بزرگی در این سخن نهفته است. بدین معنی که یک خلق تا زمانی زنده است که معنویت آن پایدار است. شاید، به همین سبب هم حملات

مکرر به مسیحیت در روسیه، از نمایشگاه ضد مسیحیت مارات گلان، که روحانی روس مستقیماً به صورتش تف کرد، گرفته تا عمل شرم آور سه هرزه در کلیسای جامع مسکو صورت می‌گیرد. و شاید، به همین دلیل هم در سال ۲۰۰۵ در دنمارک ۱۲ کاریکاتور محمد پیغمبر چاپ شد، و این را نیز فراموش نمی‌کنیم که پس از انتشار عکسهای سربازان امریکائی در کنار نه فقط اسیران عراقی، حتی در کنار کشته شدگان در رسانه های جمعی جهان، چه آشوبهایی برپا شد. این اقدام، نه تنها حمله به موجودیت فیزیکی و حوزه معنوی خود عربها، بلکه تهاجم به دینی بود که نشان دادن تصویر پیغمبر و عکس گرفتن با اجساد مردگان را ممنوع کرده و همچنین، حمله به همه آن انسانهایی بود که «معنویت» و «اخلاق» در نزد آنها هنوز از ارزش و اعتبار برخوردار است!

در تکمیل صحبت از ارزشها و مفهوم ضرب المثل عربی فوق، جا دارد با ذکر مثال دیگری از ادبیات عرب، ماهیت واقعی همه گفته ها را توضیح دهیم.

ادیب ایرانی ادبیات عرب در قرون وسطی، ابن مقفع (۷۲۱-۷۵۷ میلادی) یکی از برجسته ترین نمایندگان تفکر علمی بود که در سایه ترجمه کتاب تمثیلی «کليلة و دمنه»، یکی از نوادر ادبیات قرون وسطی و نابعه خلافت «پانچاتانتر» (پنج قسمت، نمونه نثر سانسکریت. م.) از زبان فارسی به عربی شهرت جهانی یافت. اما یک این مقفع ایجاد دیگری هم وجود دارد که اگر چه شهرت چندانی ندارد، ولی در نزد خاورشناسان شناخته شده است. صحبت از دو رساله «الادب الصغیر» و «الادب الکبیر» این نماینده تفکر جامعه آن دوره در میان است که حاوی جنبه های دینی و دنیوی پیام «ادیب» می باشد. منشاء این سخن «ادب» است که در زمانهای قبل از اسلام به معنای «انتقال سنن پیشینیان» به کار می رفت و با پیدایش اسلام، به عنوان مجموعه معیارهای تنظیم کننده جنبه های اجتماعی و اخلاقی زندگی انسانها- نمایندگان سیاسی و روشنفکری نخبگان خلافت عربی تعریف می شود.

با چشم پوشی از تعمق در تحلیل و بررسی اصطلاحات تخصصی، به موضوع اصلی باز می گردیم. در رسالات فوق الذکر، قواعد ایدئال جامعه جهان عرب آن روز تنظیم شده، و اگر بخواهیم با تصویر آن را بیان کنیم، چیزی شبیه به هر می خواهد بود که کلمه «خدا» در بالاترین نقطه آن قرار دارد. پائین تر از آن، کلمه «نیاز» قرار گرفته که خداوند برای انسانهای نیکوکار «در زندگی و زندگی پس از مرگ» برآورده می سازد. در جایگاه سوم از بالا، کلمه «هدف»- مجموعه موازین دینی و دنیوی، یعنی «ادب» جای گرفته که در بالا از آن سخن رفت. در پله های بعدی، سه طریق رسیدن به «هدف»: «دانش»، «تفکر» و «عمل» قرار گرفته اند. دانش به سهم خود، دارای دو زیر مجموعه «دنیوی» (شامل علم، شطرنج، موسیقی و مانند آنها) و «دینی» می باشد. تفکر هم از دو شاخه تشکیل می شود: قضاوت شخصی و عقلانیت به صورت خالص. این موضع عیناً در باره «عمل» نیز که ادبیات اعصار میانی به دو شق «مجاز» و «غیرمجاز» تقسیم می کند، صادق است. به سخن دیگر، انسان پس از کسب دانش دینی و دنیوی، آنها را با قضاوت شخصی و شعور خود از محک آزمون می گذراند و سپس به عمل مجاز دست زده، از انجام عمل غیرمجاز (مثلاً، بیعدالتی حاکم ظالم نسبت به افراد خود، طمع ورزی، خیانت، بی بهره گی از اخلاق دنیوی و علوم و غیره) پرهیز می کند. اما، کلمه «ادیب»، یعنی انسانی که به خاطر مراعات تمام موازین و قواعد برشمرده، «به عنوان انسان برتر» شناخته می شود، در پائین ترین نقطه، در قاعده هرم ایستاده است. اما هر کس که نه- نام او در لیست سیاه ثبت می شود و خود این، بنیان ارزشهای جامعه خلافتی اعصار میانی را تشکیل می داد که کلمه «خدا» در رأس آن قرار داشت.

اینها تنها مثالهایی هستند که پرده روح بیگانه، فرهنگ بیگانه و درک بیگانه با موجودیت امروز زندگی خلقهای لیبیا، عراق، سوریه و دیگر خلقها را که در همسایگی ما و در نقاطی بسیار دورتر از آنهایی زندگی می کنند که

تصمیم گرفتند قذافی و صدام را در سرزمین خودشان و یا همین سفیر امریکا را در لیبیا بکشند، فقط کمی از برابر دیدگان ما کنار می زنند. افسوس!

**«پانچاتانترا» ندا در می دهد:**

آن کس که در نبرد،  
نه قدرت خود را می شناسد،  
و نه قدرت دشمن را،  
بیرحمانه در جنگ شکست خواهد خورد  
و همچو پروانه در آتش خواهد سوخت.

سرچشمه:

<http://pervodika.ru/articles/21938.html>

یکشنبه، ۲۶ شهریور - سنبله ۱۳۹۱